

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن  
برگردان از: نیکوپوروزان  
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۶

## ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۴

به ادامه گذشته:

### جنگ اول ویتنام

هندوچین در آتش می سوزد، فرانسوی‌ها و بریتانیایی‌ها در این جا کارشان تمام است، و ما [امریکائی‌ها] باید که آسیای جنوب شرقی را ترک کنیم.

به نقل از آخرین پیام کلنل پیتر دونی<sup>۱</sup> از افسران او.اس.اس به فرماندهی – سپتمبر

۱۹۴۵

فرانسوی‌ها با کمک انگلیسی‌ها و امریکائی‌ها در حال بازگشت بودند. به رغم تمامی وراجی‌ها اندر باب حق تعیین سرنوشت، امریکائی‌ها به دنبال حمایت از سیاست مستعمراتی بودند. هنگامی که سیاست‌گذاران امریکائی توجه‌شان را از شکست نیروهای محور به سمت رویارویی آینده با اتحاد شوروی در اروپا معطوف داشتند، آن گاه بود که نیاز به فرانسه‌ای نیرومند و متحد را احساس کردند. این امر نیاز به آن داشت که امپراتوری که فرانسوی‌ها در هندوچین برپا داشته بودند به آن‌ها بازگردانده شود. اولین قدم در مسیر بازگشت فرانسه ورود نیروهای متحدین پس از تسلیم نیروهای جاپانی بود که در ابتداء از سوی ویتنامی‌ها مورد استقبال واقع شده بود.

در کنفرانس پوتسدام<sup>۲</sup> در جولای، متحدین توافق کرده بودند که نیروهای ناسیونالیست چین کنترل منطقه شمال ۱۶ درجه عرض جغرافیائی را (که ویتنام را تقریباً به دو نیمه تقسیم می‌کند) اشغال نموده و پروسه تسلیم نیروهای جاپانی در آن بخش را زیر کنترل داشته باشند، در حالی که نیروهای بریتانیا بخش جنوبی را به اشغال در آورند. نیروهای ناسیونالیست چین در اواخر اگست ۱۹۴۵ و پیش از اعلام استقلال از سوی هو، وارد ویتنام شدند. تا نیمه ماه سپتمبر،

<sup>1</sup> Peter Dewey

<sup>2</sup> Quote from Karnow, p. 139.

<sup>3</sup> Potsdam

تعداد نیروهای چینی در **تونکن** به دویست هزار نفر رسید. جنرال **داگلاس گریسی**<sup>۴</sup> انگلیسی به همراه یک کاندک از نیروهای هندی در ۲۲ سپتامبر همان سال وارد سایگون شد. در آن موقع هنوز هیچ حکومتی در جهان استقلال ویتنام و یا دولت **هو** را به رسمیت نشناخته بود.

بریتانیایی‌ها که به خوبی از امکان اضمحلال امپراتوری خویش در انتهای جنگ آگاه بودند، علائق ویژه‌ای در کمک به فرانسوی‌ها در استقرار حضور دوباره‌شان در هندوچین داشتند. بلافاصله پس از ورود، انگلیسی‌ها تعداد هزار و پانصد نفر از نیروهای فرانسوی را که توسط جاپانی‌ها دستگیر و زندانی شده و کماکان در بازداشت **ویت مین**‌ها به سر می‌بردند، آزاد کردند. پس از آزادی، نیروهای فرانسوی - البته با کمک جنرال **گریسی** - دست به تهاجم به دفاتر **ویت مین** زدند. ساکنین فرانسوی نیز در خیابان‌های سایگون دست به تهاجم و کشتار ویتنامی‌ها زدند. **ویت مین**‌ها در ۲۴ سپتامبر دست به ضد حمله زدند. **کلنل پیتر دوئی** در همان شب در حومه سایگون کشته شد - وی اولین امریکایی بود که در ویتنام کشته شد. وی در آخرین پیامش به فرماندهی او.اس.اس هشدار داده بود که "ما باید از آسیای جنوب شرقی خارج شویم."

**گریسی** نیاز به نیروهای بیشتری برای به دست گرفتن کنترل سایگون و خارج ساختن کنترل مناطق روستائی اطراف از دست **ویت مین** داشت. همزمان که وی به مذاکره با نیروهای **ویت مین** تظاهر می‌کرد، نیروهای هندی زیر فرمانش به ده هزار نفر افزایش یافته و تعداد هزار تن از نیروهای جنگنده فرانسوی نیز که توسط امریکائی‌ها مسلح شده بودند تحت فرماندهی مارشال **لکلرک**<sup>۵</sup> از راه رسیدند. **ویت مین**‌ها هنگامی که دریافتند که مذاکره از سوی انگلیسی‌ها تنها ترفندی برای وقت‌کشی جهت تقویت نیرو بوده، دست به تهاجم به نیروهای فرانسوی-انگلیسی زدند، اما شکست خورده و از سایگون بیرون رانده شدند. برای تقویت هر چه بیشتر نیروهایش، **گریسی** حتی دستور داد که زندانیان جنگی جاپانی را مسلح نموده تا در سرکوب **ویت مین** از آن‌ها استفاده شود.

کودتای **گریسی** را باید به عنوان یکی از شنیع‌ترین و رذیله‌ترین خیانت‌های تاریخ مدرن به شمار آورد. وی کودتائی را علیه **ویت مین** (که در جنگ علیه جاپانی‌ها در صف متحدین بودند) به راه انداخت تا فرانسوی‌ها را (که با جاپانی‌ها و المان‌ها همکاری کرده بودند) با کمک دشمن شکست خورده (سربازان اسیر جاپانی) به قدرت باز گرداند. اعمال جنایت کارانه **گریسی**، این انگلیسی حیوان‌صفت، جملگی با توافق ضمنی دولت ایالات متحده صورت گرفت.<sup>۶</sup>

اما، تردیدی نیست که استقبال اولیه **ویت مین** از ورود بریتانیا به توهم توده‌ها دامن زده بود. لیگ انترناسیونال کمونیستی تروتسکیست‌های ویتنام به همین دلیل آن‌ها را محکوم کرده بود. تروتسکیست‌ها در انتهای جنگ با سازماندهی کمیته‌های اقدام خلقی در میان طبقه کارگر در سراسر سایگون به مقابله مسلحانه در برابر پیاده شدن نیروهای متحدین فراخوان داده و خواهان مسلح ساختن کارگران و دهقانان بود. رئیس پولیس **ویت مین** در سایگون دو روز پس از پیاده شدن نیروهای زیر فرمان **گریسی** اقدام به تعقیب و دستگیری تروتسکیست‌ها نمود. **ویت مین** خواهان مذاکره با امپریالیست‌ها بود و به همین سبب "میانه روی" را ترجیح می‌داد، و آشکارا مخالف تبدیل مبارزه ملی به

<sup>4</sup> Douglas Gracey

<sup>5</sup> Marshal Philippe François Marie Leclerc de Hauteclocque

<sup>6</sup> George McTurnan Kahin, *Intervention: How America Became Involved in Vietnam* (Garden City, New York: Anchor Press, 1987) pp. 15-19.

مبارزه طبقاتی علیه زمین‌داران و سرمایه‌دارهای ویتنامی بود. **ویت مین** رهبری تروتسکیست‌ها را متعاقباً به قتل رسانده و بدین ترتیب توانست کنترل بلامنازع جنبش ملی را به دست بگیرد.<sup>۷</sup>

به رغم کودتای **گریسی**، فرانسوی‌ها، اما، فاصله زیادی تا به دست گرفتن دوباره کنترل کامل دارائی‌های مستعمراتی-شان داشتند. **ویت مین** کماکان کنترل بخش اعظم کشور را در دست داشته و ناسیونالیست‌های چین هنوز در تونکن حضور وسیعی داشتند. ژان **سانتینی**<sup>۸</sup>، مأمور سیاسی دولت فرانسه، و مارشال **لکلرک** تصمیم گرفتند که تا برای کسب وقت جهت تقویت بنیه نظامی‌شان با **ویت مین** وارد مذاکره شوند. **هو چی مین** و **ویت مین** در این زمان تصمیم‌های فاجعه‌باری گرفتند. در ماه مارچ ۱۹۴۶ **ویت مین** به شرط‌های فرانسوی‌ها گردن نهاد. جان کلام موافقتنامه این بود که ویتنام به حقوق محدودی در درون اتحادیه فرانسه دست یافته، در حالی که سرنوشت **کوچین چینا** به فراندوم گذاشته می‌شد. ارتش فرانسه بار دیگر وارد هانوی شده و چینی‌ها می‌باید که خاک ویتنام را ترک می‌کردند. **هو** تمامی این‌ها را به بهانه خلاص شدن از شر چینی‌ها توجیه می‌کرد: "ترجیح می‌دهم که گه فرانسوی‌ها را برای پنج سال به مشام بکشم، تا ناچار به خوردن خوراک چینی برای هزار سال نباشم."<sup>۹</sup>

اما، همزمان خیانتی در حال شکل‌گیری بود. هنگامی که **هو** به همراه هیأتی در سال ۱۹۴۶ عازم فرانسه بود، فرانسوی‌ها **پوآ دای**<sup>۱۰</sup> را زنده کرده و وی را به عنوان امپراتور ملت به اصطلاح تازه-بنیاد در **کوچین چینا** معرفی نمودند. بر این اساس، فرانسوی‌ها از به رسمیت شناختن دولت **خرد** یعنی جمهوری دموکراتیک ویتنام در تونکن خودداری کردند. در اکتوبر همان سال، پس از یک درگیری کوتاه میان نیروهای نظامی فرانسه و **ویت مین**، **ژورژ بیدو**<sup>۱۱</sup> نخست‌وزیر فرانسه فرمان به گلوله باران هایفونگ<sup>۱۲</sup> داد که منجر به کشته شدن شش هزار ویتنامی گردید. این فرمان مشترکاً از سوی **موریس توره**<sup>۱۳</sup>، معاون نخست‌وزیر و صدر حزب کمونیست فرانسه، نیز امضای شده بود. اولین جنگ ویتنام با حمایت حزب کمونیست فرانسه آغاز شده بود.

اولین کمک‌های ایالات متحده در سال ۱۹۴۷ و با دادن وامی معادل صد و شصت میلیون دلار آغاز شد. در انتهای جنگ در سال ۱۹۵۴ ایالات متحده نزدیک به هشتاد درصد هزینه نظامی فرانسه در ویتنام را (معادل دو میلیارد دلار) به عهده گرفته بود. دولت **هو** بدون دریافت هیچ‌گونه شناسائی دیپلماتیک ناچار به ترک هانوی شد. **هو چی مین** سرانجام پذیرفت که مانورهای وی چیزی جز فاجعه به بار نیاورده است. "به نظر می‌رسد که کاملاً تنها مانده باشیم؛ باید به نیروهای خود متکی بود." فرانسوی‌ها در ابتداء توانستند که موفقیت‌هایی به دست آورند، اما متعاقباً از پیش-رفت باز ماندند. **ویت مین** از پشتیبانی وفادارانه توده‌ها - به ویژه توده دهقانان - برخوردار بود، چیزی که فرانسوی‌ها قادر به شکستن آن نبودند. از سوی دیگر، در فرانسه جنگ از حمایت همگانی برخوردار نبود. برای پیش‌گیری از

<sup>7</sup> For further reading on the Vietnamese Trotskyists, see the chapter "Vietnamese Trotskyism," in Robert J. Alexander, *International Trotskyism 1929-1985* (Durham, Nc: Duke University Press, 1991). Also see Milton Sacks, "Marxism in Vietnam," in Fran N. Trager (Editor): *Marxism in Southeast Asia: A Study of Four Countries* (Stanford University Press, 1959).

این، البته، نظر نویسنده بود که از مواضع گروه سیاسی مربوطه‌اش این گونه تاریخ‌نگاری می‌کند. من در این جا سعی نموده‌ام که تمامی نظرات نویسنده را بدون دخل و-تصرف ترجمه نمایم. (م.)

<sup>8</sup> Jean Sainteny

<sup>9</sup> Quote from Karnow, p153. It should also be kept in mind that Ho's success in selling this strategy to his supporters was based on a real fear of Chinese domination. China occupied Vietnam for 1,000 years and Vietnamese nationalism has its origin in resisting this domination.

<sup>10</sup> Boa Dai

<sup>11</sup> George-Augustin Bidault

<sup>12</sup> Haiphong

<sup>13</sup> Maurice Thorez

افزایش موج مخالفت‌ها، دولت فرانسه از تحمیل دوره سرپازی خودداری نموده و صرفاً بر چهل هزار نیروی نظامی-اش که بیش از نصف‌شان در رکاب نازی‌ها جنگیده بودند، تکیه نمود. جنگ در سال ۱۹۴۹ به طور تعیین‌کننده‌ای به ضرر فرانسه چرخید. انقلاب چین به ویت‌مین امکان داد که به طور مستقیم از حکومت مانو کمک دریافت کند. روسیه [اتحاد جماهیر شوروی] و چین سرانجام در سال ۱۹۵۰ حاکمیت هو چی مین را به رسمیت شناخته و به انزوای دیپلماتیک آن خاتمه دادند. در جبهه نظامی نیز فرانسوی‌ها با شکست‌های سنگینی روبه‌رو شدند. تعداد کشته‌شدگان، زخمی‌ها، اسیران و مفقودهای فرانسوی تا ۱۹۵۲ به نود هزار نفر رسید. نفرت از جنگ در داخل فرانسه به طور فزاینده‌ای افزایش می‌یافت. جنرال‌های فرانسوی، اما، کماکان خواب یک پیروزی قریب-الوقوع علیه ویت‌مین را می‌دیدند. به این خاطر بود که فرانسوی‌ها در اواخر ۱۹۵۳ محلی را به منظور پیروزی نهائی‌شان علیه ویت‌مین در نظر گرفتند. این محل یک منطقه دورافتاده در مرز لائوس به نام دنین بئین فو<sup>۱۴</sup> بود. در عوض، آن چه که فرانسوی‌ها به دست آوردند محاصره‌ای بود که به شکست کامل‌شان در هفتم ماه مه ۱۹۵۴ منجر گردید. جنگ فرانسه [علیه ویتنام] پس از ۹ سال خونین به پایان رسید.<sup>۱۵</sup>

ادامه دارد

---

<sup>14</sup> Dien Bien Phu

<sup>15</sup> Young, pp. 20-26.